

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه‌ساز ظهور مهدی؛ هویت و صفات

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد

نویسنده: ناشناس

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۲۷

بنا بر تحقیقات ما، «منصور هاشمی خراسانی» یک نام مستعار است و حامیانی برای او در ایران وجود ندارد!

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۲۷

هر چند هویت خود شما برای ما معلوم نیست و احتمال زیاد می‌دهیم که خودتان از نام مستعار استفاده می‌کنید و نمی‌دانیم که تحقیقات کذایی شما با چه انگیزه و بر پایه‌ی کدام صلاحیت و با اتکا به چه منابع خبری انجام شده است، ولی به شما پیشنهاد می‌کنیم که چندان به این کشفیات خود اعتماد نداشته باشید و همواره احتمال خطا و اشتباه را در آن‌ها لحاظ نمایید، تا به جای کعبه سر از ترکستان در نیاورید؛ چنانکه گفته‌اند: «ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی / کاین ره که تو می‌روی به ترکستان است!»

در عین حال، این امکان نیز وجود دارد که حدس شما صحیح باشد؛ زیرا اولاً استفاده از نام مستعار در میان آزادگانی که با طواغیت و زورمندان جهان مبارزه می‌کنند و یارانی اندک و دشمنانی بسیار دارند، رایج است و کار غیر عادی و دور از انتظاری محسوب نمی‌شود؛ ثانیاً بسیاری از مردم در جهان دارای دو نام هستند که با یکی در میان نزدیکان و دوستان و با دیگری در میان دیگران شناخته می‌شوند، در حالی که شخصیت، روش و اهداف آنان در هر صورت ثابت و مشخص است؛ ثالثاً اتخاذ القاب نیکو برای پیشوایان و عالمان دین، کاری معمول است، بل سنتی اسلامی به شمار می‌رود که گاهی توسط یاران و دوستدارانشان و با توجه به خصال و صفات نیک آنان انجام می‌شود و حتی بیشتر از نام‌های خودشان شهرت می‌یابد؛ چنانکه به عنوان نمونه، لقب «مصطفی» برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و لقب «احمد» که در انجیل با آن معرفی شده از این قبیل بوده و لقب «صدیق» برای ابو بکر و لقب «فاروق» برای عمر و لقب «ذو النورین» برای عثمان و لقب «مرتضی» برای علی از این قبیل بوده و برای علی

بایکاظلاع بر سبیل افتبر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

نام دیگری نیز بوده که گویا مادرش بر او نهاده بوده و به آن شهرت نداشته؛ چنانکه با اشاره به آن فرموده است: «أنا الذي سَمَّني أُمِّي حیدرة / ضرغام آجام ولیث قسورة»؛ یعنی من کسی هستم که مادر من را حیدر نامید و آن به معنای ببر بیشه‌ها و شیر ژیان است. سایر پیشوایان اهل بیت نیز القاب مختلفی مانند «باقر»، «صادق»، «کاظم» و «رضا» داشتند که امروز به آن‌ها شناخته‌تر هستند تا به نام‌های خودشان، بل مهدی که منصور به سوی او دعوت می‌کند نیز نام دیگری دارد و «مهدی» لقب و شهرت اوست؛ فارغ از آنکه خداوند نام برخی از اولیائش را نیز پس از برگزیدن آنان تغییر داده؛ چنانکه در تورات آمده است که خطاب به ابراهیم علیه السلام که نامش «آبرام» بود فرمود: «نام تو از این پس دیگر آبرام خوانده نخواهد شد، بلکه نام تو ابراهیم خواهد بود؛ زیرا که تو را پدر قوم‌های بسیار گردانیده‌ام»^۱ و خطاب به او فرمود: «و اما همسرت سارای، دیگر نام او را سارای مخوان، بلکه نام او سارا خواهد بود»^۲ و خطاب به یعقوب علیه السلام فرمود: «نام تو یعقوب است، ولی از این پس دیگر نام تو یعقوب خوانده نخواهد شد، بلکه نامت اسرائیل خواهد بود. پس او را اسرائیل نامید»^۳، بلکه از آن به مثابه‌ی سنت خود خبر داد و خطاب به دشمنان خود فرمود: «خداوند شما را خواهد کشت و خادمان خویش را به اسم دیگر خواهد نامید»^۴. با توجه به این شواهد، ممکن است که حدس شما صحیح باشد؛ به این معنا که «منصور» نیز لقب و شهرت نویسنده‌ی کتاب «بازگشت به اسلام» و زمینه‌ساز ظهور مهدی باشد، ولی بدون شک این چیز مهمی نیست که فکر شما و برخی کوتاه‌فکران دیگر را به خود مشغول کرده و به دست‌آویز سست‌تان برای تبلیغ بر ضدّ این عالم بزرگ و مظلوم تبدیل شده است؛ چراکه مسلماً از نظر عاقلان، تنها اندیشه‌ها و آموزه‌های اسلامی و اصلاح‌گرانه‌ی او اهمیت دارد و نام و لقب و شهرت او تعیین‌کننده نیست؛ با توجه به آنکه این اندیشه‌ها و آموزه‌ها متکی بر نام و لقب و شهرت او نیست تا با تغییر آن تغییر یابد، بل متکی بر کتاب خدا و سنت متواتر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و احکام قطعی عقل است که در هر حال ثابت و قابل پیروی است. بنابراین، شما می‌توانید تصوّر کنید که نام منصور هاشمی خراسانی، محمد، یا علی، یا عمر، یا سعید، یا هاشم، یا جعفر، یا قاسم، یا قنبر، یا محمد علی، یا محمد جعفر، یا عبد الله، یا چیز دیگری از این قبیل است؛ چراکه او هر نامی داشته باشد، نویسنده‌ی کتاب «بازگشت به اسلام» و رهبر نهضت مبارکی است که به کوری چشم منافقان و بیماردلان، برای اقامه‌ی اسلام خالص و کامل در جهان و تحقق حاکمیت مهدی ظهور کرده است و با وجود همه‌ی عداوت‌ها و جوسازی‌ها به حرکت خود تارسیدن به آرمان متعالی و مقدّسش ادامه می‌دهد ان شاء الله.

۱. پیدایش، ۱۷:۵

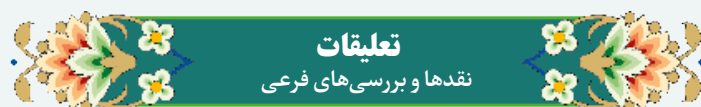
۲. پیدایش، ۱۷:۱۵

۳. پیدایش، ۳۵:۱۰

۴. اشعیا، ۶۵:۱۵

اما اینکه ادعا کرده اید بنا بر تحقیقات شما، حامیانی در ایران برای این عالم مسلمان وجود ندارد، از ادعای دیگران سست تر است؛ زیرا بدیهی است که شما نمی توانید همه ی مسلمانان ایران را یک به یک تحت نظارت و مراقبت قرار دهید یا تفتیش عقاید کنید تا علم یابید که هیچ گروهی از آنان حامی اندیشه ها و آموزه های اسلامی و اصلاحی او نیست. با این حال، اگر این ادعای بی اساس شما را نیز مانند ادعای دیگران صحیح فرض کنیم، روشن است که اهمیتی ندارد؛ زیرا بسیاری از پیامبران و صدیقان و صالحان پیش از منصور هاشمی خراسانی، با بی اعتنائی و تکذیب قومشان مواجه شدند، تا جایی که نوح علیه السلام پس از نهصد و پنجاه سال دعوت به سوی حق، فرمود: **﴿رَبِّ اِنَّ قَوْمِي كَذِبُونَ﴾**؛ «پروردگارا! قوم من را تکذیب کردند» و داستان تکذیب سایر پیامبران را نیز احتمالاً در قرآن خوانده اید. لذا چیزی که برای این عالم بزرگوار اهمیت دارد، کثرت حامیان نیست؛ زیرا چنین چیزی تنها برای جاه طلبان اهمیت دارد، بلکه برای او تنها عمل به وظیفه ی اسلامی اش از طریق دعوت به سوی حاکمیت مهدی مهم است، خواه کسی با او همراه شود و خواه کسی با او همراه نشود. او حتی اگر یک کس همراهش نباشد، همچنان به وظیفه ی اسلامی خود عمل می کند و به سوی حاکمیت مهدی فرامی خواند تا هنگامی که بالاخره شماری کافی از مسلمانان با او همراه شوند و تحت رهبری قرآنی، سنتی و عقلانی او زمینه ی حاکمیت مهدی را فراهم سازند یا آنکه او در این راه بمیرد. ما از شما نیز می خواهیم که این فرضیه بافی ها را کنار بگذارید و به جای حاشیه سازی و تلف کردن وقت و نیروی خود برای تحقیقاتی بی فایده، به این کاروان علم و معرفت ملحق شوید و با سنگ اندازی در برابر آن، نام خود را در تاریخ به عنوان دشمنان مهدی و منصور ثبت نکنید و باب لعن آیندگان را به روی خود نگشایید.

کاش نصیحت ناصحان را می پذیرفتید و به جای ضدیت با این مرد به دوستی با او روی می آوردید، ولی افسوس که چنان در غرور و تعصب غوطه ورید که گوشی برای شنیدن و عقلی برای فهمیدن باقی نگذاشته اید! باری به هر جهت، تنها خداوند قادر است که شما را هدایت کند و وظیفه ی ما تنها تذکر است.



تاریخ: ۱۴۰۰/۷/۲۸

نویسنده: محمد امیر خلیلی

نقد فرعی ۱

اخيراً دشمنان قسم خورده ی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى که به وضوح از مقابله ی علمی با اندیشه های متقن و مستدلّ این فرزانه عاجز هستند و هیچ جایی برای

خرده گرفتن بر مبانی، دیدگاه‌ها و اهداف او نمی‌یابند، همه‌ی وقت و توان خود را صرف حاشیه‌سازی و شایعه‌پراکنی پیرامون نام، تصویر و سوابق علمی او کرده‌اند و امیدوارند که با این ترفند عوام‌فریبانه، مردم را از توجّه به گفتمان نورانی او بازدارند و به مسائلی سطحی و بی‌اهمیت مشغول کنند. در همین راستا، آنان از شخصی به نام «ع. ب» که دانشجوی دکترای یکی از دانشگاه‌های معتبر ایران بوده و دارای تألیفات متعدّدی در حوزه‌ی علوم اسلامی است یاد می‌کنند و ادّعا می‌کنند که او همان علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است؛ با این توجیه عجیب و ساده‌لوحانه که او سال‌ها پیش به عنوان وکیل و نماینده‌ی علامه در ایران دستگیر شده و سپس در مراحل بازجویی ادّعا کرده که علامه خود اوست! آنان نیز ادّعای او را پذیرفته‌اند و در نهایت به اخراج او از دانشگاه و مجبور کردنش به ترک ایران بسنده کرده‌اند و حالا که دعوت علامه بیش از پیش بالا گرفته و در حال گسترش است، می‌خواهند به زعم خود نام او را فاش کنند تا با به خطر انداختن امنیتش و تحریک عوام بر ضدّش از او انتقام بگیرند! تحلیل شما از این ادّعاها و اقدامات دشمنان چیست و چه توصیه‌ای برای کسانی که با آن‌ها مواجه می‌شوند دارید؟

پاسخ به نقد فرعی ۱

تاریخ: ۱۴۰۰/۸/۹

بارها گفته‌ایم که نام، تصویر و سوابق علمی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، موضوعیت و اهمیت ندارد؛ زیرا چیزی که معرّف و مبین حقانیت اوست، مبانی، دیدگاه‌ها و اهداف معقول و مشروع اوست، نه نام، تصویر و سوابق علمی‌اش و با این وصف، مجادله درباره‌ی نام، تصویر و سوابق علمی‌اش، کار بیهوده‌ای است و تنها به کمرنگ شدن مبانی، دیدگاه‌ها و اهداف او از یک سو و به خطر افتادن امنیتش از سوی دیگر می‌انجامد و این هر دو مفسده‌ای آشکار است که هر مؤمن عاقل، بصیر و خیرخواهی را از همراهی با مجادله‌کنندگان باز می‌دارد. فرض کنید که این عالم بزرگ، چوپانی فاقد هر گونه مدرک تحصیلی در دهی بالای کوه است که مردم او را با نام «غضنفر ده بالا» می‌شناسند! این موضوع کدام واقعیت را بر روی زمین تغییر می‌دهد؟! آیا دعوت او به سوی حق را باطل می‌کند، یا استدلال درستش به قرآن و سنت و عقل را غلط می‌گرداند، یا از ارزش آموزه‌های ارزشمند علمی و اخلاقی‌اش می‌کاهد، یا شأن والای معنوی‌اش را نفی می‌نماید؟! آیا ممکن نیست که خداوند چوپانی فاقد هر گونه مدرک تحصیلی را مورد عنایت خویش قرار دهد و به وسیله‌ای برای هدایت بندگان تبدیل کند؟! آیا پیامبر خاتم، چوپانی فاقد هر گونه مدرک تحصیلی نبود که خداوند او را بر نام‌آوران زمانش ترجیح داد و به وسیله‌ای برای هدایت جهانیان تبدیل کرد؟! آیا «غضنفر ده بالا» نمی‌تواند ایمان و تقوایی بیشتر

از «آیت الله فلانی» داشته باشد و در پیشگاه خداوند مقربتر و آبرومندتر باشد؟! در حالی که خداوند خود فرموده است: «يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»؛ «هر کس را بخواهد به رحمت خود مخصوص می گرداند و خداوند دارای فضل عظیم است» و فرموده است: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»^۱؛ «خداوند بهتر می داند که رسالتش را در کجا قرار دهد». پس این چه جهالتی است که بر این مدعیان علم حاکم است و چه ذهنیت کج و آشفته ای است که آنان را به این کارهای جاهلانه واداشته است؟! آیا به راستی نمی دانند که نگاه و سخنشان بر خلاف قواعد و آموزه های دین است، یا می دانند ولی قصد فریب عوام برای حفظ نظام را دارند؟! بعید است که ندانند؛ چراکه هر کس از دین بویی برده باشد، این مقدار را از آن می داند و با این وصف، به نظر می رسد که قصد فریب عوام برای حفظ نظامشان را دارند و این عجیب نیست؛ چراکه آنان به پیروی از شیطانان، معتقدند که حفظ نظامشان از عمل به احکام دین واجب تر است و تبعاً اگر برای آن لازم بدانند، می توانند دروغ بگویند و تهمت بزنند و فریب بدهند و در ازای این همه گناه، ثواب هم ببرند! این به راستی ضلالت و شرارتی آشکار است! واضح است که از کسانی با این ضلالت و شرارت آگاهانه، نمی توان توقع داشت که پیرامون علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی حاشیه سازی و شایعه پراکنی نکنند، ولی از کسانی که با آنان مواجه می شوند می توان توقع داشت که به حاشیه سازی و شایعه پراکنی آنان فریفته نشوند و عقلانیت، آزادگی و استقلال نظر خود را حفظ کنند و برای شناخت این عالم بزرگ، به مبانی، دیدگاه ها و اهدافش بنگرند، بدون توجه به حواشی و شایعات؛ چنانکه حکیمان گفته اند: «انْظُرْ إِلَى مَا قَالَ، وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ»؛ «به چیزی که می گوید نگاه کن و به کسی که می گوید نگاه نکن».

این مهم ترین نکته درباره ی حواشی و شایعات موجود پیرامون نام، تصویر و سوابق علمی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که برای صاحبان عقل و بصیرت کافی است، ولی برای دیگران نکته ای دیگر می افزاییم و آن اینکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، دشمنان فراوانی دارد که برای دست یافتن و آسیب رساندن به او از هیچ تلاشی فروگذار نمی کنند، ولی بحمد الله دوستان مؤمن، شجاع و زیرکی نیز دارد که برای حفظ امنیت او در برابر دشمنانش، همه ی توان خود را به کار می برند. در این راستا، آنان تدابیر هوشمندانه ای را برای پنهان نگاه داشتن هویت او از دشمنانش اندیشیده اند که با هدایت و امداد الهی در حال اجراست. این تدابیر به گونه ای است که دشمنان او را درباره ی هویتش متحیر ساخته و به غلط انداخته است، تا حدی که بارها افراد مختلفی را با او اشتباه گرفته اند. این نکته ی مهمی است که در هنگام مواجهه با حاشیه سازی ها و شایعه پراکنی های آنان درباره ی نام، تصویر و سوابق علمی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، باید به آن توجه داشت.

۱. آل عمران / ۷۴

۲. الأنعام / ۱۲۴

در خصوص حاشیه‌سازی‌ها و شایعه‌پراکنی‌های اخیر آنان نیز باید گفت: علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، وکلا و نمایندگان در برخی کشورها دارد که تحت نظارت او، نهضت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام را در آن‌ها هدایت و مدیریت می‌کنند. حال اگر یکی از این وکلا و نمایندگان، پس از دستگیری توسط آنان و تحت بازجویی، مدّعی شده که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی خود اوست، کار زیرکانه و شجاعانه‌ای برای حفاظت از آن جناب انجام داده است؛ زیرا در غیر این صورت، طبیعتاً او را مجبور می‌کردند که جای آن جناب را نشان‌شان دهد! به همین دلیل، او از حماقت و ساده‌انگاری آنان بهره برده و مسؤولیت همه‌ی امور نهضت را بر عهده گرفته است تا آنان به محاکمه و مجازات او بسنده کنند و به جستجوی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی پایان دهند و البته به لطف تشابه اسمی یا عاملی دیگر، این کار را به قدری خوب و طبیعی انجام داده است که آنان پس از سال‌ها، هنوز در همان خیال هستند و به اشتباه خود پی نبرده‌اند! بدون شک چنین فریب خوردنی از یک دستگاه امنیتی ضعیف و بی‌کفایت که قادر به جلوگیری از تاخت و تاز اسرائیل در خیابان‌های تهران برای ترور شخصیت‌های مهم و غارت اسناد محرمانه‌ی کشورش نیست و از نفوذ جاسوسان موساد تا بالاترین سطوح نظامی و امنیتی کشورش مطلع نمی‌شود و فسادها و اختلاس‌های نجومی در نظام مالی کشورش را نمی‌بیند و زورش تنها به چند جوان مؤمن و علاقمند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی که به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام توصیه می‌کنند می‌رسد، به هیچ روی عجیب نیست! عناصر این دستگاه امنیتی علیل که امروز جلودار دشمنی با علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی شده‌اند، مشتی مزدور بدبختند که برای سیر کردن شکم زن و فرزند خود تن به این کار داده‌اند و اگر پرونده‌ای به آنان سپرده شود، می‌کوشند که هر چه زودتر آن را ببندند تا در نظر رئیس‌شان بهتر جلوه کنند، اگر چه با عجله، تسامح و تجاهلی عظیم! بنابراین، پیشنهاد ما به همه‌ی مؤمنانی که در ایران فعالیت می‌کنند این است که در صورت دستگیری، خود را علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی معرفی کنند؛ چراکه احتمالاً دستگاه امنیتی ایران باور خواهد کرد و تا مدّتی از جستجوی آن جناب دست بر خواهد داشت! از این بابت نیز نگران نباشند که ممکن است چند علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در بازداشت اینان وجود داشته باشند؛ زیرا خداوند عقل و تمییز را از اینان گرفته است، تا جایی که چه بسا همه‌ی آنان را به عنوان علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی خواهند پذیرفت و با جزمیت و اعتماد به نفس همیشگی‌شان که نشان‌دهنده‌ی حماقتشان است خواهند گفت: «معلوم شد که منصور هاشمی خراسانی یک شخص نبوده، بل یک گروه بوده که با این عنوان فعالیت می‌کرده است!» و پس از آن،

تا این اندازه بر روی آن تأکید نمی‌کردند، ولی واقع آن است که شما به این قبیل حواشی و فروع، اهمّیت فراوانی می‌دهید و این فرصتی برای این دشمنان خدا و دشمنان خلیفه‌ی او در زمین محسوب می‌شود. اینان مانند سایر شیاطین انسی و جّنی، از نقطه‌ی ضعف شما سوء استفاده می‌کنند و نقطه‌ی ضعف شما، اهمّیت دادن به ظواهر اشخاص به جای اندیشه‌ها، آموزه‌ها و آرمان‌های آنان است؛ چنانکه به عنوان نمونه، برخی توقّع دارند که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، دارای ظاهری خاص و فوق العاده باشد و از این رو، هنگامی که او را بشری مانند خود می‌یابند، اندیشه‌ها، آموزه‌ها و آرمان‌های او را فراموش می‌کنند و از او روی بر می‌گردانند؛ غافل از آنکه پیامبران نیز بشری مانند آنان بودند، جز آنکه خداوند با توفیق علم و عمل صالح، بر آنان مِتّ نهاده بود؛ چنانکه فرموده است: **﴿قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾**^۱؛ «پیامبران‌شان به آنان گفتند که ما جز بشری مانند شما نیستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش که بخواهد مِتّ می‌گذارد و ما را نمی‌رسد که برای شما معجزه‌ای بیاوریم مگر با اذن خداوند و مؤمنان باید بر خداوند توکل داشته باشند». این است که اغواگران شیطان صفت می‌کوشند که چونان کشفی مهم یا افشای گناهی بزرگ، علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی را از حیث نام، تصویر و سوابق علمی، مانند دیگران معرفی کنند تا به زعم خود، عدم حقانیت او را به اثبات رسانند؛ غافل از آنکه حقانیت این بزرگوار، به نام، تصویر و سوابق علمی او نیست، بلکه به اندیشه‌ها، آموزه‌ها و آرمان‌های خالص و کامل اوست و همین‌هاست که او را از دیگران متمایز می‌سازد؛ وگرنه این بزرگوار مدّعی نیست که فرشته است و مدّعی نیست که با دیگران تفاوت دارد، بلکه تنها دعوت‌کننده‌ای به سوی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلّم و زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام است و اگر کسی از او پیروی می‌کند باید با نظر به این واقعیت باشد، نه با نظر به نام، تصویر و سوابق علمی او؛ چنانکه خود به صراحت فرموده است:

«به سخنم گوش بسپارید و نپرسید که کیستم؛ چراکه کیستی انسان در سخن او آشکار می‌شود و عاقل به سخن می‌نگرد نه به گوینده‌ی آن! چه بسیار سخن راستی که کودکی گوید و چه بسیار سخن دروغی که بزرگان گویند! سخن راست، راست است اگر چه کودکی گوید و سخن دروغ، دروغ است اگر چه بزرگان گویند! از این رو، اگر سخنی را بشناسید، شناختن گوینده‌ی آن به شما زیانی نمی‌رساند، همچنانکه اگر سخنی را شناسید شناختن گوینده‌ی آن به شما سودی نمی‌رساند! پس به سخنم گوش بسپارید تا من را بشناسید؛ چراکه انسان در زیر زبان خویش پنهان

است و کسی شناخته نمی‌شود تا آن‌گاه که به سخن در آید. شما گوش داده نشده‌اید مگر برای شنیدن و چشم داده نشده‌اید مگر برای دیدن و عقل داده نشده‌اید مگر برای تمییز آن‌چه می‌شنوید و می‌بینید که کدامین راست و کدامین ناراست است. پس سخنم را با گوش خود بشنوید و با عقل خود برسید تا اگر راست بود بپذیرید و اگر ناراست بود نپذیرید. خداوند به شما توفیق دهد؛ چراکه شیطان می‌خواهد شما نشنوید تا ندانید و ندانید تا بدبخت شوید و آیا بدبختی جز در پی نادانی است؟!^۱

این سخن عالم خیرخواهی است که بر خلاف دیگران، مردم را به سوی خود فرا نمی‌خواند، بلکه به سوی خداوند و خلیفه‌ی او در زمین فرا می‌خواند و با این وصف، کسانی که درباره‌ی مشخصات ظاهری و اعتباری او مجادله می‌کنند، فراخوان او را نمی‌شنوند، یا می‌شنوند و نشنیده می‌گیرند! ناگزیر عاقبت این ناشنویان، جز حیرت و گمراهی نخواهد بود؛ چراکه فتنه‌ها دیر یا زود دامن آنان را خواهد گرفت و شبهه‌ها از رو به رو یا پشت سر به آنان خواهد رسید و هر کس به جای عقل از هوای نفس خود پیروی کند، از شک یا انکار رهایی نخواهد یافت، ﴿وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^۲؛ «و جز صاحبان عقل پند نمی‌گیرند».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
مجلس خبری رهبری



۱. فرازی از نامه‌ی ۱

۲. البقرة / ۲۶۹

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.